

تأثیر منازعات بحران ژئوپلیتیکی سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران^۱

* محمد ابراهیمی

** علی محسنی

*** عباس برجوبی فرد

چکیده

بحران ژئوپلیتیکی سوریه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی است، که طی یک دهه اخیر منطقه خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به اهمیت این مسئله، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که منازعات بحران ژئوپلیتیکی سوریه چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی داشته است؟ فرضیه مقاله گویای آن است که، بحران سوریه ابعادی فراتر از نارضایتی سیاسی و چالش‌های قومی، مذهبی داشته و ریشه در دخالت منفی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد. با اتکای بر نظریه موازنه تهدید، نتایج پژوهش حاکی از تهدیدهای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی در حوزه‌های نظامی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و پیامدهایی همچون افزایش تهدیدات قومیتی و فرقه‌گرایی در کشور، ظهور و تقویت گروه‌های تروریستی تکفیری در ایران، افزایش تهدیدات مرزی، افزایش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تغییر موازنه قوای منطقه‌ای، تضعیف محور مقاومت دارد.

واژگان کلیدی

بحران ژئوپلیتیکی، امنیت ملی، سوریه، جمهوری اسلامی، موازنه تهدید.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری می‌باشد.

abolfazl1384@yahoo.com

*. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

dr.amohseni@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

*** مربی علوم سیاسی و مطالعات امنیت ملی مجتمع آموزش عالی عقیدتی سیاسی شهید محلاتی، قم، ایران.

sndu.ac.ir@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

۱. طرح مسئله

از جمله بحران‌های خاورمیانه (غرب آسیا) در یک دهه اخیر، بحران ژئوپلیتیک سوریه است که با آغاز بیداری اسلامی یا جنبش بهار عربی، خیزش‌ها و اعتراضات در جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا در ۲۰۱۰ میلادی در بستری از کشمکش‌های سیاسی و نارضایتی‌های اجتماعی، هویتی، قومی و مذهبی ریشه‌دار در جهان اسلام روی داد؛ سوریه، یکی از کشورهایی بود که به دنبال وقوع انقلاب در تونس، به سمت بحران و جنگ داخلی رفت؛ موج اعتراضات در ابتدا، اعتراض و کنش جمعی در شکل راهپیمایی مسالمت‌آمیز برای اصلاحات سیاسی بود اما به دلایلی مانند سرکوب معترضان، دخالت منفی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ظهور و گسترش جریان‌های سلفی تکفیری سبب شدند، این حرکت به سرعت از جنبش اجتماعی با ماهیت اصلاح‌طلبانه، منحرف شده و به سمت آشوب و جنگ داخلی سوق داده شد. اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی سوریه در منطقه و نقش آن در ایجاد عمق راهبردی برای محور مقاومت و از یک سو انگیزه‌های توسعه‌طلبانه برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سوی دیگر باعث شد که بر پیچیدگی بحران در این کشور افزوده شود و صف‌آرایی جدید منطقه‌ای و حتی بین‌المللی با بازتعریف مجدد از امنیت و منافع ملی کشورها شکل بگیرد.

ایران و سوریه به‌عنوان دو متحد استراتژیک در منطقه همکاری‌های خود را در تمامی حوزه‌ها از زمان انقلاب تا به امروز حفظ کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر و قدرت مهم منطقه‌ای حفظ منافع استراتژیک، در پرتو روابط با کشورهای هم‌پیمان منطقه‌ای با دقت و حساسیت ویژه‌ای تحولات داخلی سوریه را دنبال نموده، و تلاش کردند که در راستای تداوم مناسبات راهبردی با این کشور و نیز حفظ منافع ملی و منطقه‌ای خود، اقدام به اتخاذ مواضع حمایتی از حکومت بشار اسد در سوریه نماید. در واقع، اتحاد ایران و سوریه برخلاف اتحادهای دیگر دوام قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. گرچه بسیاری به این اتحاد هویت مشترک شیعی را نسبت می‌دهند، اما تحلیل رایج بر وجود منافع استراتژیک ناشی از تهدیدات منبعث از دشمنان مشترک در عراق، اسرائیل، آمریکا و اخیراً گروه‌های تروریستی شبه‌دولتی و جنگ نیابتی اشاره دارد. (Wallsh, 2013: 111 - 112) براین اساس، قدرت فرامنطقه‌ای به دنبال تضعیف جبهه مقاومت به نفع رژیم صهیونیستی می‌باشند و قدرت‌های منطقه‌ای به دنبال گسترش نقش آفرینی و جلوگیری از نفوذ ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی ایران در منطقه است. با توجه به اهمیت این مسئله مقام معظم رهبری، در موضع‌گیری‌های رسمی، موضع ج.ا. ایران در قبال سوریه، حمایت از هرگونه اصلاحات به نفع مردم این کشور و مخالفت با دخالت آمریکا و کشورهای دنباله‌رو آن در مسائل داخلی سوریه است، که می‌توان آن را «دکترین راهبردی جمهوری اسلامی ایران» در منطقه محسوب نمود؛ ایشان در اهمیت و ضرورت حمایت از دولت سوریه می‌فرمایند:

حضور در کشورهای منطقه و طرفداری ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی، عمق راهبردی جمهوری اسلامی است؛ جمهوری اسلامی از این نمی‌تواند صرف‌نظر کند؛ هیچ دولت عاقلی صرف‌نظر نمی‌کند». (بیانات، خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۳/۰۲) و باتوجه به این حدیث شریف؛ «ما غُزِيَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا» از معصوم علیه السلام است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آن‌ها حمله بشود دچار ذلت شدند. این جوری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد، که خیلی‌ها متوجه به این نیستند، خیلی‌ها توجه به این ندارند. (همان، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰)

براین اساس، سوریه نه تنها عمق استراتژیک منطقه‌ای ج.ا. ایران محسوب می‌شود، بلکه حفظ موقعیت، جایگاه و نفوذ در سوریه و منطقه شامات، چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از لحاظ ژئوپلیتیکی و استراتژیکی، چنان با امنیت ملی و بقای آن گره خورده است که به نظر می‌رسد رویکرد ایران در حمایت از سوریه، از منظر چارچوب پارادایم نوواقع‌گرایی و رویکرد موازنه‌تهدید کاملاً مطابق با اصول روابط بین‌الملل و نظام امنیتی خاورمیانه باشد. به همین منظور در پژوهش حاضر قصد داریم به این سؤال پاسخ دهیم که منازعات بحران ژئوپلیتیکی سوریه چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

روش تحقیق پژوهش حاضر، مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی و نوع پژوهش کاربردی است و همچنین ابزار جمع‌آوری اطلاعات لازم برای این تحقیق از طریق منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و ... جمع‌آوری و استفاده شده است. به منظور بررسی تأثیر بحران سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است، و تمرکز روش مطالعاتی این پژوهش، از ظرفیت‌های تبیینی نظریه موازنه‌تهدید استفاده شده است. بررسی موارد نمایه شده در پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی، حکایت از آن دارد که در ارتباط با بحران سوریه، تحقیقات متعددی صورت گرفته است؛ در بررسی مختصری از برخی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط صورت گرفته، نویسندگان چند هدف را پیگیری کرده‌اند: ۱. تبیین دلایل اهمیت راهبردی سوریه برای ایران؛ ۲. تحلیل ماهیت جریان‌های تکفیری درگیر در بحران سوریه؛ ۳. تبیین نحوه رقابت ایران با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران سوریه و ۴. تبیین راهبردهای سیاست خارجه ایران در قبال بحران سوریه... و با عنایت به آنچه در بررسی پیشینه پژوهش‌های اشاره شده و سایر پژوهش‌های موجود از حیث تأثیر بحران ژئوپلیتیکی سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تحقیقی که به طور مستقیم و مستقل این موضوع را مورد بررسی قرار دهد، وجود ندارد. لذا انجام این تحقیق، نوآوری و ضرورتی بالا داشته است که اهمیت مضاعفی به موضوع می‌دهد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱. امنیت ملی: امنیت ملی^۱ از مفاهیم رایج در علوم سیاسی می‌باشد که تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است، معنی کردن مفهوم امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده‌ای است. امنیت ملی حالتی است که ملتی بدون نگرانی از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا سرزمین خود به سر می‌برد. (ماندل، ۳۸۷: ۴۳) در فرهنگ مک میلان امنیت ملی «توان دفاع و حفاظت از ارزش‌ها و شهروندان یک ملت» تعریف شده است. (Macmillan, 2010) لیپمن محقق آمریکایی، اولین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف نمود؛ وی می‌گوید: «هر ملتی تا جایی دارای امنیت است که در صورت عدم توسل به جنگ مجبور به رهاکردن ارزش‌های محوری نباشد و اگر در معرض چالش قرار گیرد بتواند با پیروزی در جنگ آن‌ها را حفظ کند.» (Wolfers, 1962: 150) اگر بخواهیم تعریفی جامع و کامل برای امنیت ملی ارائه دهیم، بایستی گفت: امنیت ملی مصون نگه‌داشتن ارزش‌های حیاتی یک ملت در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعلی است که می‌توانند خاستگاه داخلی یا خارجی داشته باشند. (صالح‌نیا و بختیاری، ۱۳۹۷: ۲۶۰)

۲. بحران ژئوپلیتیکی: بحران ژئوپلیتیکی^۲ نوع خاصی از بحران‌های بین‌المللی هستند که از منشأ جغرافیای سیاسی برخوردارند. (Valigholizadeh, 2015: 35) حافظ نیا، بحران ژئوپلیتیکی را منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی می‌داند. (Hafeznia, 2014: 127)

۳. بحران سوریه: جرقه بحران سوریه در شهر مرزی درعا در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۱۱ میلادی با شعرنویسی چند دانش‌آموز نوجوان علیه نظام حاکم زده شد، این اقدام با واکنش نامناسب دولت سوریه مواجه شد و بعدازآن اعتراضات و درگیری‌ها افزایش یافت. بحران سوریه، به یک سری تظاهرات گسترده اجتماعی و درنهایت درگیری‌های نظامی - امنیتی در کشور سوریه گفته می‌شود که شروع شد، بازمی‌گردد. درواقع، جنگ داخلی کنونی براساس شکاف‌های قومی این کشور شکل گرفته است؛ که با دخالت بازیگران داخلی، منطقه‌ای و جهانی به یک بحران تمام‌عیار ملی تبدیل شد. (Ahmadi & Bahrami, 2015: 200)

۴. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی سوریه: کشور سوریه در جنوب غرب آسیا و در کنار سواحل شرقی دریای مدیترانه، در همسایگی کشورهای شمال با ترکیه، از شرق با عراق، از غرب با لبنان و دریای مدیترانه و از جنوب غربی با رژیم صهیونیستی و از جنوب با اردن همسایه است. سوریه کشوری با مساحت ۱۸۵۱۸۰ کیلومترمربع و جمعیتی بالغ بر ۲۲ میلیون نفر است. ۷۴ درصد جمعیت سوریه سنی

1. National Security.
2. Geopolitical crisis.
3. Syria Crisis.

مذهب هستند. طیف دیگری از مسلمانان این کشور را علوی‌ها، شیعیان دوازده امامی و اسماعیلیان با مجموع ۱۳ درصد تشکیل می‌دهند. ۱۰ درصد جمعیت سوریه نیز مسیحی هستند و ۳ درصد باقی‌مانده شامل دروزیان و یزیدیان می‌شود. مسلمانان شیعه بیشتر در شهرهای دمشق، حلب و روستاهای اطراف حمص ساکن هستند. ۸۹.۳ درصد مردم سوریه عرب هستند و بزرگ‌ترین اقلیت قومی در این کشور را کردها با رقمی حدود ۶ درصد جمعیت تشکیل می‌دهند (نجات و ولدانی، ۱۳۹۲: ۳۳) تفاوت‌های مذهبی، زبانی، نژادی در بین قوم‌های مختلف باعث گردیده تا هر گروه پایبند به اصول قبیله و بیشتر وفادار به قوم خود باشد.

۳. چارچوب نظری تحقیق

۱. **مکتب کپنهاگ و امنیت ملی؛** یکی از مکاتبی که مسئله امنیت را مورد توجه و مطالعه قرار داده مکتب کپنهاگ است. توجه مکتب کپنهاگ به مطالعات امنیتی دوره پسا جنگ سرد و تحولات گسترده‌ای که در حوزه امنیت رخ داده، می‌باشد. مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ که مکتب کپنهاگ یکی از شاخه‌های فکری آن به‌شمار می‌آید، توسط پارلمان دانمارک در ۱۹۸۵ میلادی تأسیس شد. نتایج پژوهش‌های درخشان این مکتب باعث شد که در ۱۱ ژوئن ۲۰۰۱ میلادی، پادشاه دانمارک فرمان الحاق این مؤسسه را به وزارت امور خارجه صادر کند. هم‌اکنون مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ در زمینه امنیت بین‌المللی، بحران‌های منطقه‌ای، مسئله هویت، مهاجرت، پناهندگی، امنیت اجتماعی و مطالعات موردی فعالیت می‌کند. در این بین آنچه به‌عنوان مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی مشهور شده، از سوی این صاحب‌نظران مطرح نشده است بلکه اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای معرفی آثار و نقطه نظرات باری بوزان، ال ویور و دیگران در سال ۱۹۹۶ به‌کاربرده است. (ذالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۷۳ - ۱۷۲) از آن‌پس کلیه آثار مشابه با این شیوه تفکر در خصوص مطالعات امنیتی، با عنوان مکتب کپنهاگ، مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار گرفته است. بوزان نگاه تک‌بعدی و مضیق نظریات سنتی راجع به امنیت را به پنج بعد امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه می‌دهد. مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به‌عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بوده است، لذا در این حوزه مطالعات امنیتی، نظامی محور است. از مهم‌ترین نوآوری این مکتب در زمینه امنیت، سه اصل مهم به این شرح است:

۱. سطح تحلیلی آن حوزه بین‌الملل نیست و بیشتر به منطقه‌ای گرایش دارد.

۲. بخش‌ها و ابعاد امنیت متعدد می‌دانند و صرفاً عرصه نظامی را شامل نمی‌شود.

۳. در خصوص امنیتی کردن موضوعات نیز دیدگاه‌های خاصی را دنبال کرده و باور به نفی آن دارد.

مکتب کپنهاگ بر آن است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه‌ای را بر آن بیفزاید در این راستا، از جمله مفاهیم مهم این مکتب، امنیتی ساختن و امنیت منطقه‌ای است که بوزان آن را مرکز ثقل علمی این مکتب می‌داند. (آذرشب، ۱۳۹۶: ۱۲۲) سطح تحلیل مکتب کپنهاگ امنیت منطقه‌ای است. از آنجایی که موضوع این پژوهش بر تهدیدات امنیت ملی در محیط منطقه‌ای ج.ا. ایران تمرکز دارد، این نظریه بهتر می‌تواند موضوع مورد نظر ما را پوشش دهد. شاخص بندی تهدیدات امنیت ملی که از جانب بنیادگرایی اسلامی در منطقه متوجه جمهوری اسلامی ایران است، با ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی امنیت ملی که در مکتب کپنهاگ بحث می‌شود، تقریباً منطبق است.

۲. رویکرد نو واقع‌گرایی؛ نو واقع‌گرایی که به آن واقع‌گرایی ساختاری نیز اطلاق می‌شود، برای اولین بار توسط کنت والتز^۲ در سال ۱۹۷۹ مطرح شد. وی در کتاب *نظریه سیاست بین‌الملل*^۳ به تبیین اصول واقع‌گرایی ساختاری پرداخت. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۴) از دیدگاه نو واقع‌گرایی، آنارشیک بودن نظام بین‌الملل مبتنی بر ترس و بی‌اعتمادی، عدم قطعیت و رقابت است، دولت‌ها همواره در پی افزایش قدرت خود هستند. اگر در این نظام، دولت‌ها قدرت خود را افزایش ندهند، دیگر دولت‌ها قدرت خود را به حداکثر می‌رسانند و این امر موجب کاهش امنیتشان می‌شود و محدودیت‌هایی را بر دولت‌ها اعمال می‌کند که آن‌ها مجبور می‌شوند رفتار خاصی اتخاذ کنند. (بازرگان و پور احمدی، ۱۳۹۷: ۹۰) با توجه به ساختار دائماً کشمکش‌زا و بحران‌آمیز نظام امنیتی خاورمیانه و همچنین با توجه به اینکه تقابل دو جریان حامیان و مخالفان دولت سوریه، رویکرد نواقع‌گرایی برای تبیین پدیده‌های منطقه غرب آسیا و بحران سوریه نسبت به سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل، مناسب به نظر می‌رسد. این رویکرد از آنجایی که هدف اصلی رفتار بازیگران بین‌المللی را تأمین منافع و امنیت می‌داند، برای تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار در پژوهش حاضر مناسب به نظر می‌رسد.

۳. نظریه موازنه تهدید؛^۴ یکی از نظریه‌هایی روابط بین‌الملل که مبدع آن استفان والت است. والت معتقد است کشورها با چهار مزیت نزدیکی جغرافیایی، توزیع امکانات، توانایی تهاجمی و درک نیت تجاوز قادر هستند تهدیدات خارجی را تحلیل یا به ارائه تهدید اقدام کنند. یکی از نظریه‌های که در دوره پس از مناقشات جنگ سرد در حوزه موازنه‌سازی و به‌ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه به آن توجه ویژه‌ای شده است، نظریه موازنه تهدید است. این نظریه که در دوره پس از جنگ سرد در حوزه موازنه‌سازی و به‌ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه به آن توجه ویژه‌ای شده است، نظریه موازنه تهدید است. به

1. Neo - realist approach.

2. Kenneth Waltz (1924 - 2013)

3. Theory of International Politics.

4. Balance theory of threat.

نظر نویسندگان مقاله، یکی از نظریاتی که می‌تواند تا حدودی سیاست‌گذاری امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در قبال بحران سوریه بعد از ۲۰۱۱ میلادی را تحلیل نماید، نظریه موازنه تهدید در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی تدافعی محسوب می‌شود. براساس نظریه موازنه تهدید، موازنه در مقابل قدرتی صورت می‌گیرد که تهدید تلقی شود. از دیدگاه استفن والت، تهدید از «قدرت کلی»^۱ «مجاورت جغرافیایی»^۲، «قدرت تهاجمی»^۳ و «نیات تجاوزکارانه»^۴ تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری داشته باشد، می‌تواند نسبت به کشوری که منابع کمتری دارد، تهدید جدی‌تری را موجب شود. مجاورت جغرافیایی از این‌رو اهمیت دارد که کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. (بازرگان و پوراحمدی ۱۳۹۷: ۹۲)



۱-۳. رویکرد نوواقع‌گرایی و امنیت ملی ج.ا. ایران

در تحلیل رویکرد جمهوری اسلامی ایران در رابطه با تأمین امنیت ملی، اغلب می‌توان از پارادایم نوواقع‌گرایی بهره جست. بر مبنای این پارادایم،^۵ مهم‌ترین منفعت و هدف جمهوری اسلامی ایران، تأمین و تضمین بقا و امنیت در نظام آنارشیک بین‌الملل است. امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل ایجاب می‌کند تا جمهوری اسلامی ایران نیز مانند دیگر بازیگران دولتی بین‌الملل، یک رویکرد منفعت محور بر پایه پیگیری منافع ملی و امنیت خود تدوین و اجرا کند. آنارشی، خودیاری و عدم اطمینان، جمهوری اسلامی ایران را بر آن می‌دارد تا درصدد کسب قدرت برای تأمین امنیت خود

1. Overall Capabilities.
2. Geographic Proximity.
3. Offensive Capabilities.
4. Aggressive Intentions.
5. Paradigm.

برآید. (بازرگان و پوراحمدی ۱۳۹۷: ۹۲) از این رو است که جمهوری اسلامی ایران ممکن است، در قالب سیاست حفظ وضع و نظم موجود، هدف پیشینه‌سازی امنیت را پیگیری کند؛ در نتیجه، جمهوری اسلامی ممکن است نه تنها برای موازنه‌سازی در مقابل از دست دادن قدرت و تحمل ضرر، بلکه همچنین برای کسب سود و منفعت به اتحاد و ائتلاف‌سازی دست بزند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۲۹۴ - ۲۷۵) به لحاظ محیط امنیتی ایران باید به وجود پایگاه‌های نظامی متعدد در کشورهای پاکستان، افغانستان، سوریه، عراق و استقرار نیروهای نظامی آمریکا در این کشورها، وجود اقلیت‌های قومی در کشورهای اطراف، تجمع دولت‌های شکننده در اطراف ایران و وجود گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی کشور اشاره کرد که می‌توانند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن^۱ که باعث تضعیف مرزها و تقویت گروه‌های فراملی می‌شود، به خطر اندازند. (دهشیری، ۱۳۹۴: ۷ - ۶)

۲-۳. عوامل ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر. (حافظ نیا، ۳۷: ۱۳۵۸) با این وصف از جمله عوامل شناخته شده ژئوپلیتیک می‌توان به موقعیت‌های استراتژیک و ژئواستراتژیک، موقعیت‌های ارتباطی، دریایی، ساحلی، وضعیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی و نوع و میزان منابع طبیعی، کمیت، کیفیت منابع انسانی و... اشاره کرد. همه این عوامل ژئوپلیتیک با درجات مختلف تأثیر قابل توجهی بر روند بحران ژئوپلیتیک دارند. لذا در تدوین اهداف و سیاست‌های امنیت ملی، عوامل جغرافیایی در کنار سایر عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده قدرت ملی، مورد توجه قرار می‌گیرند. (حافظ نیا، ۱۴: ۱۳۵۸) این عوامل ژئوپلیتیک در حقیقت با توجه به ماهیتی که دارند، به شش دسته تقسیم شده‌اند:

۱. عوامل طبیعی (مانند موقعیت طبیعی، وضع ناهمواری‌ها و وضع آب و هوا)
۲. عوامل انسانی (مانند شاخص‌های جمعیتی و ویژگی‌های قومی، مذهبی، هویتی)
۳. عوامل نظامی (مانند قدرت نظامی و کمیت و کیفیت آن)
۴. عوامل سیاسی داخلی (مانند ساختار حکومتی، وضعیت مرزها و نهادهای سیاسی)
۵. عوامل سیاسی بین‌المللی (مانند معاهدات بین‌المللی و روابط با کشورهای دیگر)
۶. عوامل اقتصادی (مانند شاخص‌های اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی)

1. The age of globalization.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

۴-۱. عوامل ژئوپلیتیکی بحران سوریه

عوامل مؤثر ژئوپلیتیک بحران سوریه براساس یافته‌های تحقیق در جدول شماره (۱) عبارتند از:

عنوان		عوامل	سطح داخلی	سطح منطقه ای و بین الملل
عوامل ژئوپلیتیکی بحران سوریه	عامل اقتصادی (۱)	۱. بحران اقتصادی، فساد - مالی، ۲. نابرابری اقتصادی، ۳. حزب بعث سالاری در اقتصاد و نابرابری منطقه ای توسعه نیافتگی مناطق شرقی و جنوبی، ۴. محرومیت نسبی درآحاد اجتماعی	۱. فشار و تحریم های اقتصادی آمریکا و اتحادیه عرب بد حکومت، ۲. قطع ارتباط مالی و بلوکه کردن دارای های سوریه در بانک های جهانی، ۳. سرقت نفت سوریه	
	عامل اجتماعی (۲)	۱. رشد جمعیت جوان و بیکار، ۲. رشد آزادی خواهی، ۳. تعارضات قومی - مذهبی، ۴. گسست اجتماعی و سلطه عرب ها و سرکوب کردها، ۵. بی عدالتی اجتماعی، ۶. طرد اجتماعی و نادیده گرفته شدن تبعیضات (شغلی، درآمدی، استخدامی، خدماتی، مهارتی و آموزشی مهاجران)	۱. بهره گیری از قدرت رسانه جنگ روانی و انحراف افکار عمومی جامعه سوریه، ۲. حجم آورگان و پناهندگان سوری	
	عامل سیاسی (۳)	۱. نظام تک حزبی، ۲. سرکوب و اخراج احزاب سیاسی، ۳. سرکوب شدید اعتراضات داخلی، ۴. الگو گیری از بیداری اسلامی وموفقیت اعتراضات مردمی در کشورهای عربی منطقه	۱. مقابله و حذف جبهه مقاومت و کاهش نفوذ ایران و روسیه در خاورمیانه، ۲. تأمین و افزایش امنیت اسرائیل ۳. توسعه همزمنی امریکا در منطقه غرب آسیا	
	عامل فرهنگی - مذهبی (۴)	۱. بنیادگرایی اسلامی و احیای سلفی گری و افراط گرایی دینی، ۲. توسعه سکولاریسم، ۳. بحران هویت، ۴. تعارضات مذهبی (سلطه اقلیت علویان بر اکثریت اهل سنت)	۱. حمایت ریش مجمع علماء اسلامی (فرخسواوی) از مخالفین حکومت سوریه، ۲. فعالیت گسترده عربستان در جهت توسعه وهابیت و سلفی گری ۳. فعالیت گسترده ترکیه در جهت توسعه اخوان المسلمین	
	عامل دفاعی - امنیتی (۵)	۱. ناامنی داخلی و بحران امنیتی، ۲. حضور جریان های سلفی تکفیری داخلی و خارجی و ایجاد جنگ نیابتی در جهت اهداف حامیان منطقه ای و فرامنطقه ای خود.	۱. ارسال سلاح و تجهیزات نظامی آمریکایی و اروپایی به سوریه ۲. آموزش نظامی به مخالفان حکومت سوریه ۳. انتقال جنگجویان سلفی تکفیری از سراسر جهان به سوریه ۴. پشتیبانی لجستیکی از مخالفان	
	عامل استراتژیک (۶)	۱. حامیان نظام سیاسی سوریه (نیروی مسلح سوریه، نیروهای دفاع ملی سوریه (بسج مردمی)، علویان) ۲. مخالفین نظام سیاسی سوریه (اخوان المسلمین، ارتش آزاد، داعش، جبهه النصره، جیش الفتح، کردها)	۱. قدرت های منطقه ای حامی نظام سیاسی سوریه ۲. قدرت های منطقه ای مخالف نظام سیاسی سوریه ۳. قدرت های فرامنطقه ای حامی نظام سیاسی سوریه ۴. قدرت های فرامنطقه ای مخالف نظام سیاسی سوریه	

منبع: منبع: (عباسی، ۱۳۹۴: ۹۱) و یافته های پژوهش حاضر

عوامل ژئوپلیتیک^۱ عبارتست از هر عامل جغرافیایی که در تعامل با قدرت در سیاست مورد استفاده قرار گیرد. (شمس دولت آبادی، ۱۳۹۰: ۲۸) ژئوپلیتیک به عنوان یک عرصه مطالعاتی می تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت های اساسی آن را مشخص سازد. هدف نهایی ژئوپلیتیک از تشریح ساختار نظام

1. Geopolitical factors.

روابط بازیگران و چهارچوب‌های جغرافیایی قدرت، ارائه این دید به سیاست‌گذاران است که منابع قدرت برآیند چه عناصری هستند و چگونه بر شکل‌گیری سیستم ژئوپلیتیکی جهانی و روابط قدرت بین‌المللی تأثیر می‌گذارند. (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵) فضای ژئوپلیتیک هر کشور یا منطقه‌ای تحت تأثیر عوامل مختلف با کاردهای متفاوت می‌تواند در طیفی از شرایط آن کشور یا منطقه را تعریف و تبیین نماید عوامل ژئوپلیتیک درگیر در بحران سوریه با توجه به معادلات چندوجهی و دخالت کنشگران متفاوت و ارائه تصاویری دقیق‌تر از بحران سوریه، عوامل ژئوپلیتیک بحران را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و شامل عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی، نظامی (دفاعی - امنیتی) تجزیه و تحلیل می‌کنیم.

۲-۴. بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تحولات سوریه

مهم‌ترین نیروهای درگیر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه براساس جدول شماره (۲) عبارتند از:

جدول شماره (۲) بازیگران و عوامل انسانی در گیر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه		سطح	عنوان
رویکرد آنها در بحران	بازیگران بحران	داخلی	بازیگران و عوامل انسانی در گیر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه
۱. دفاع و حمایت از حکومت سوریه و حفظ آن در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی	حامیان: حکومت سوریه، نیروی مسلح سوریه، نیروهای دفاع ملی سوریه (بسیج مردمی)، علویان	داخلی	
۱. مخالفان حکومت سوریه و خواهان تغییر آن	مخالفان: اخوان المسلمین، ارتش آزاد، داعش، جبهه النصره، جیش الفتح، کردها	داخلی	
۱. حمایت دیپلماتیک و خواهان حفظ حکومت ۲. حمایت اقتصادی و عدم اجرای تحریم های اقتصادی ۳. حمایت مستشاری نظامی - امنیتی	حامیان: جمهوری اسلامی ایران، عراق، گروه های همپیمان جبهه مقاومت اسلامی (حزب الله لبنان، حشد الشعبی عراق، فاطمیون افغانستان، زینبیون پاکستان)	منطقه‌ای	
۱. فشار دیپلماتیک و خواهان تغییر حکومت - حمایت لجستیکی، ۲. مالی و تسلحاتی ۳. تحریم اقتصادی ۴. جنگ روانی علیه ملت و دولت سوریه	مخالفان: رژیم صهیونیستی اسرائیل، عربستان، ترکیه، قطر، امارات، مصر، اردن، جریان چهارده مارس لبنان	منطقه‌ای	
۱. حمایت دیپلماتیک و خواهان حفظ حکومت سوریه ۲. حمایت اقتصادی و عدم اجرای تحریم های اقتصادی	حامیان نظام سیاسی سوریه: روسیه، چین	بین‌المللی	
۱. فشار دیپلماتیک و خواهان تغییر حکومت ۲. حمایت مالی و دیپلماتیک از مخالفین ۳. تحریم اقتصادی گسترده	مخالفان: آمریکا، اتحادیه اروپا (فرانسه، انگلیس، آلمان)	بین‌المللی	

منبع: منبع: (عباسی، ۱۳۹۴: ۹۱ و سعادت، ۱۳۹۶: ۵۳) و یافته های پژوهش حاضر

بحران ژئوپلیتیکی سوریه، برآیند تعامل و تقابل قدرت میان بازیگران در سه سطح «بازیگران داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» است. در این میان، چند بازیگر برجسته و عمده وجود دارند که به تفصیل به نقش آن‌ها در این تحولات می‌پردازیم.

۳-۴. چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران و قدرت‌های رقیب در بحران سوریه

جمهوری اسلامی همانند هر بازیگر دولتی در عرصه روابط بین‌الملل، برای حفظ منافع و امنیت کشورش ناچار به اتخاذ سیاست خارجی به خصوصی در منطقه حیات خود، خاورمیانه است. در شرایط دائماً بحران‌زا و پرتنش خاورمیانه، تنها متحد دولتی ایران در منطقه سوریه بوده است. به همین جهت، بحران سوریه یک تهدید بزرگ برای موقعیت استراتژیک ایران در منطقه و یک فرصت طلایی برای کشورهای محور عربی - غربی منطقه بود که با قطع اتحاد ایران و سوریه، توازن قوای منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهند؛ در نتیجه از این منظر، چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در بحران سوریه با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در وضعیت و رقابت به وجود آمده است. لذا چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در بحران سوریه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای عبارتند از:

الف) چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در بحران سوریه

ایران و عربستان با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود، مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه هستند که به نوعی رقیب منطقه‌ای یکدیگر هم به حساب می‌آیند. این دو کشور با بهره‌مندی از موقعیت استراتژیک در منطقه از اهمیت فراوانی برخوردارند. به باور بیشتر پژوهشگران، روابط ایران و عربستان به دلیل اهمیت این دو کشور در منطقه و تأثیری که بر روی سایر بازیگران منطقه‌ای دارند اهمیت زیادی دارد. روابط این دو کشور در طول تاریخ همواره روندی سینوسی و متغیر داشته است و با توجه به تحولات سال‌های اخیر در منطقه شاهد رقابت‌های جدی ایران و عربستان بوده‌ایم. اکنون با توجه به توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای غربی از یک طرف و نقش تأثیرگذار ایران در بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه، عراق و یمن در طرف دیگر، زمینه‌های افزایش قدرت منطقه‌ای ایران و شیعیان در منطقه فراهم شده است که این موضوع باعث تشدید رقابت منطقه‌ای میان ایران و عربستان سعودی شده است. (آرام، ۱۳۹۵: ۷۳) یکی از اهداف اصلی عربستان در بحران سوریه، تضعیف جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه است که با همراهی ترکیه و قطر در مقام حامیان مخالفان نظام سیاسی سوریه، اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای دخیل در بحران می‌باشند که علیه دولت سوریه - متحد استراتژیک ایران - وارد عمل شده‌اند. به صورت مستقیم با ارسال نیروهایی یا تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی و گماشتن

مزدوران، ارسال سلاح و کمک‌های مالی و پرداخت حقوق به معترضان و به‌صورت غیرمستقیم با حمایت‌های رسانه‌ای، تبلیغاتی و فشار سیاسی در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای علیه دولت سوریه، در امور داخلی این کشور نقش آفرینی می‌کنند (آجرلو، ۱۳۹۰: ۶۱) در چنین شرایطی، عربستان سعودی تلاش می‌کند تا با حمایت از بنیادگرایان سنی در سوریه، موازنه قوا^۱ در منطقه را تغییر داده و ناکامی‌های خود را در مقابل ایران، در سوریه جبران نماید. (دهقانی فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۱۳۰)

ب) چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه در بحران سوریه

با شروع تحرکات در سوریه، موضع ترکیه نیز به موضوعی پیچیده و متغیر تبدیل شده است. سیاست ترکیه در چرخش‌های متعدد از میانجی‌گری و داوری به مهیا کردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل شده است. به‌طور کلی می‌توان ترکیه و ایران را به‌عنوان دو رقیب منطقه‌ای در بحران سوریه به‌شمار آورد که در تلاش برای تغییر موازنه به نفع خود هستند. ایران به‌دنبال حفظ وضع موجود در سوریه و ترکیه درصدد تغییر وضع موجود است. ترکیه برای دستیابی به هدف خود از رویکرد ائتلاف با غرب، عربستان و همچنین نیروهای داخلی مخالف اسد استفاده کرده است. براین اساس، می‌توان تلاش‌های گسترده این کشور برای سازماندهی اپوزیسیون^۲ سوریه را مورد توجه قرار داد. همچنین لازم به ذکر است که اخوان المسلمین سوریه به‌عنوان قوی‌ترین جریان اپوزیسیون در این کشور پیوندهای عمیقی با دولت ترکیه دارد. (نیاکوبی و بهمنش، ۱۳۹۱، ۱۳۰)

اهداف ترکیه در قبال بحران سوریه از چند منظر قابل تحلیل است: ۱. احیای نوع‌ثمانی‌گرایی در قالب قدرت تأثیرگذار منطقه؛ ۲. گسترش نفوذ اقتصادی - سیاسی در منطقه‌ای خاورمیانه و حتی ترتیبات امنیتی آن؛ ۳. رویکرد دوگانه در مسئله فلسطین و بهبود روابط با اسرائیل به دلیل رویکرد تغییر رژیم در سوریه به‌عنوان سیاست مشترک ترکیه و اسرائیل؛ ۴. تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران و تغییر موازنه قدرت به نفع ترکیه در نتیجه حذف اسد به‌عنوان متحد اصلی ایران؛ ۵. گسترش روابط با غرب در قالب سیاست پیوستن به اتحادیه اروپا.

ج) چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران و اسرائیل در بحران سوریه

ایران و رژیم صهیونیستی به‌عنوان دو رقیب منطقه‌ای همواره در موضوعات مختلف با یکدیگر رقابت داشتند. سوریه نیز یکی از حوزه‌هایی است که این رقابت تشدید شده است. بقای اسد در قدرت جزء الزامات سیاست خارجی ایران به‌شمار رفته و حذف اسد برای اسرائیل منافعی را به همراه خواهد داشت:

1. Balance of Power.
2. Opposition.

۱. طبق نظریه موازنه تهدید مجاورت جغرافیایی می‌تواند یکی از منابع تهدید به‌شمار رفته و ضریب امنیتی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. مرز مشترک سوریه با اسرائیل باعث شده که هرگونه تحول در سوریه مستقیماً بر امنیت اسرائیل اثرگذار باشد. ۲. نظام سیاسی سوریه از ابتدا معاهده صلح با اسرائیل را امضاء نکرده و بدین ترتیب دشمن عربی اسرائیل به‌شمار می‌رود؛ هرگونه تغییری در نظام سیاسی سوریه می‌تواند تهدیدات اسرائیل را کاهش دهد. ۳. به دلیل اتحاد استراتژیک ایران و سوریه و حمایت این دو کشور از محور مقاومت در منطقه، تحول ساختاری در سوریه می‌تواند گفتمان مقاومت را تضعیف و موجبات افزایش کنشگری اسرائیل در منطقه شود. البته در کنار این منافع سقوط اسد و روی کار آمدن نیروهای افراطی اسلام‌گرا همچون داعش و جبهه‌النصره در سوریه هرچند در کوتاه‌مدت به نفع اسرائیل بوده و خطر ایران و محور مقاومت را از بین می‌برد، اما در درازمدت امنیت اسرائیل را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. (Inbar, 2013: 1 - 4) از نظر اسرائیل تغییر رژیم در سوریه می‌تواند سوریه را از صف متحدان ایران و حزب‌الله در منطقه خارج کند و در نتیجه نفوذ منطقه‌ای ایران و حزب‌الله به‌عنوان دشمنان استراتژیک اسرائیل در منطقه کاهش خواهد یافت. یکی از محورهای اساسی دیگر که منجر به همبستگی ایدئولوژیک میان ایران و سوریه شده است، رویکرد مشابه این دو بازیگر به منازعه فلسطین و اسرائیل و در نتیجه همکاری در قالب محور مقاومت بوده است. (Barry, 2007: 405) از دید سوری‌ها، اسرائیل به‌عنوان موجود شریر خارجی متجاوز و مکار در قلب جهان عرب کاشته شده که در حال توطئه برای کنترل کل سرزمین‌های عربی از نیل تا فرات از جمله سوریه است. (Hinebush, 2009: 24)

د) چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران و آمریکا در بحران سوریه

آمریکا نیز از دیگر بازیگران درگیر در بحران ژئوپلیتیک سوریه است. برای آگاهی از نیات این کشور ابتدا باید دانست که آمریکا در منطقه خاورمیانه چه اهدافی را دنبال می‌کند. اهم اهداف آمریکا در منطقه غرب آسیا را می‌توان در تأمین امنیت و منافع رژیم صهیونیستی، تضعیف جبهه مقاومت، گسترش نفوذ و هژمونی منطقه‌ای، تضعیف ایران به‌عنوان نماد اسلام سیاسی در منطقه و همچنین تأمین امنیت انرژی خلاصه نمود. در این میان، سقوط رژیم اسد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت جایگاه اسرائیل و تضعیف جبهه مقاومت و همچنین تغییر موازنه قوا به نفع آمریکا و به زیان جمهوری اسلامی ایران - که بدون شک قدرت اول منطقه و مهم‌ترین چالشگر ایالات‌متحده در خاورمیانه است - ایفا نماید. آمریکا برای دسترسی به اهداف خود می‌تواند با قدرتهای درجه دوم منطقه‌ای که معمولاً با قدرت اول منطقه‌ای تضاد منافع دارند، همکاری و تقسیم‌کار نماید. (نیاکوئی، بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۰۷)

۴-۴. مدل مفهومی سطح تعامل و منازعات بحران ژئوپلیتیک سوریه

در یک جمع‌بندی، چالش جمهوری اسلامی ایران در بحران ژئوپلیتیک سوریه با چند قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حال نبرد است که هر یک برحسب منافی در سوریه مداخله کرده‌اند. با توجه به موارد فوق، قدرت‌های منطقه‌ای تأثیرگذار در بحران سوریه دسته‌بندی می‌گردند: ۱. طرفداران حفظ وضع موجود: جمهوری اسلامی ایران؛ ۲. طرفداران تغییر وضع موجود: ترکیه، عربستان و رژیم اسرائیل. به‌عنوان رقبای منطقه‌ای و آمریکا و اتحادیه اروپا به‌عنوان رقیب فرامنطقه‌ای. با توجه یافته‌های تحقیق مدل مفهومی سطح تعاملی منازعات بحران ژئوپلیتیک سوریه در شکل (۲) قدرت‌های تأثیرگذار در بحران سوریه به شکل زیر دسته‌بندی می‌گردند:



۵-۴. تأثیر بحران ژئوپلیتیک سوریه بر امنیت ملی ج. ا. ایران

امنیت ملی طبق دسته‌بندی مکتب کپنهاگ، از حوزه امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی - اجتماعی، امنیت نظامی - انتظامی تأمین می‌شود و زمانی می‌توانیم از امنیت ملی یک کشور صحبت کنیم که نظام سیاسی آن کشور در چهار حوزه مذکور مناسب و درست عمل کرده باشد. تأثیر بحران ژئوپلیتیک سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

الف) تأثیر بحران ژئوپلیتیک سوریه بر امنیت فرهنگی - اجتماعی ج. ا. ایران

فرهنگ، هویت مذهبی و قومی و رسوم، همگی موضوعات امنیت فرهنگی - اجتماعی هستند که دولت‌ها باید در رابطه با حفظ امنیت ملی به این مؤلفه‌ها توجه کنند. (اسماعیل زاده و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۵) موقعیت جغرافیایی اقوام معادل امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است. اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که عقبه آنان در ورای مرزها و

بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد، متأسفانه شیب برخی از این حوزه‌ها به خارج از کشور است و از ابعاد ذیل موجب تهدید و آسیب‌شناسانه تلقی می‌شوند. در این راستا، یکی از پیامدهای بحران ژئوپلیتیکی سوریه برای ایران گسترش ناامنی، افراط‌گرایی و تنش‌های مذهبی در عراق و سرایت آن به ایران است که تنش‌ها و تهدیدات جدی را در داخل ایران به وجود می‌آورد. طرح‌های تجزیه‌طلبانه در سوریه و عراق و تقویت گروه‌های جدایی‌طلب در این کشورها می‌تواند گروه‌های اقلیت داخل ایران را تشویق به مطالبات بیشتر برای خودمختاری کند.

ب) تأثیر بحران ژئوپلیتیکی سوریه بر امنیت نظامی - انتظامی ج. ا. ایران

بُعد نظامی کلاسیک‌ترین برداشت از مفهوم امنیت است. معمولاً اقدام نظامی می‌تواند همه اجزای حکومت را تهدید کند و در عمل هزینه‌های فراوانی را چه در حوزه مرز و چه در حوزه نزدیک به مرز متحمل شود. مجاورت سرزمینی از نظر بوزان برای موجودیت یک مجموعه‌ی امنیتی ملاک ارزشمندی است. با توجه به اینکه تهدیدات در فاصله‌های نزدیک شدت و نمود بیشتری دارند و کشورها از تهدیدات امنیتی در مجاورت خود بسیار نگران هستند، هرگونه کنش و واکنش را در دولت‌های همسایه زیر نظر دارند. (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۶).

جدول شماره (۳) جریان‌های سلفی تکفیری تحت تأثیر بحران ژئوپلیتیکی سوریه (داخلی و منطقه‌ای)

جریان	حوزه فعالیت	کشورها	گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴	گروه ۵	گروه ۶
جریان‌های سلفی تکفیری تحت تأثیر بحران ژئوپلیتیکی سوریه (داخلی و منطقه‌ای)	عراق	سوریه	داعش	حزب التحریر	داعش	مناسروا واهل السنه		
		لبنان	جیش الاسلام	فتح الاسلام	عبدالله عزام			
		اردن	داعش	القاعده				
	غرب آسیا (خاورمیانه)	ایران - شمال غرب	انصار الاسلام	توحید و جهاد	انصار السنه	کتاب کردستان	احفاد صلاح الدین	ابناء صلاح الدین
		ایران - جنوب غرب	حرکه التمثال					
	آسیا مرکزی	ایران - جنوب شرق	جند الله	جیش العدل	گروهک فرقان	حرکت انصار	سپاه صحابه	جیش النصر
		ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، ...	داعش	القاعده				
	شبه جزیره عربستان	عربستان، قطر، کویت	داعش	القاعده				
		یمن	انصار الشریعه	القاعده	داعش			
	شبه قاره هند	افغانستان	داعش	القاعده	طالبان			
پاکستان		سپاه صحابه	القاعده	طالبان	لشکر جهنگوی	لشکر طیبه	جیش محمد	
هند		لشکر جهنگوی	القاعده					

منبع: بخشی از اطلاعات از منابع معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل. م. ج. ۱۳۹۳

(فیروز آبادی، ۱۳۹۳، ۶۵)

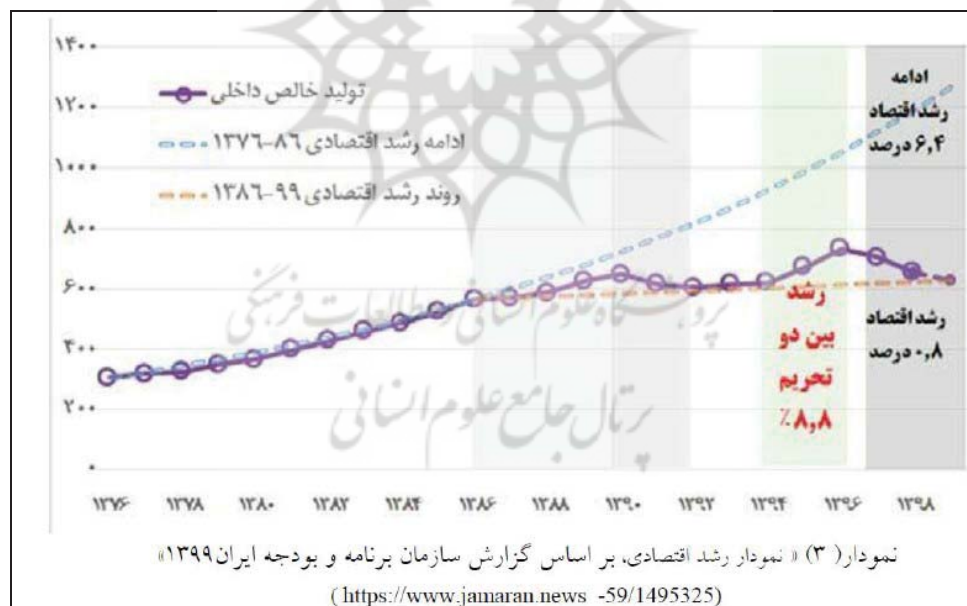
یکی از مؤلفه‌های تهدیدهای امنیت ملی در مناطق مرزی، خطرات ناشی از نفوذ اندیشه وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری در کشورهای پیرامونی و داخلی باتوجه به جدول (۳) و اقدامات آن‌ها است. گرایش به جریان سلفی - تکفیری وهابیت در مرزنشینان شرق کشور سال‌هاست که یکی از دغدغه‌های مسئولین سیاسی و امنیتی است و بدین‌جهت پیشگیری از نفوذ اندیشه‌های مخرب وهابیت در گرو شناخت عواملی است که موجب گسترش و ترویج این نحله در کشور شده است. تهدیدات بحران ژئوپلیتیکی سوریه، عراق در گام بعدی در محیط پیرامونی ایران (جغرافیایی - مرزی) و تلاش رهبران جریان‌های تکفیری برای انجام عملیات‌های تروریستی در ایران از اعلامیه‌های صادر شده از طرف آن‌ها قابل‌فهم است. مهم‌ترین اقدام در این زمینه عملیات تروریستی داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی علیه‌السلام در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ (۷ ژوئن ۲۰۱۷) در تهران بود که در نتیجه آن ۱۷ نفر شهید شدند و ۵ مهاجم نیز کشته و حدود ۵۲ نفر زخمی شدند. (ذالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۱ - ۱۸۰)

ج) تأثیر بحران ژئوپلیتیکی سوریه بر امنیت سیاسی ج.ا.ایران

به اعتقاد پژوهش حاضر، در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اغلب می‌توان از پارادایم نواقع‌گرایی بهره جست. بر مبنای این پارادایم، مهم‌ترین منفعت و هدف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تأمین و تضمین بقا و امنیت در نظام بین‌الملل آناشیک و خودیار است. از مهم‌ترین پیامدهای حمایت جمهوری اسلامی از حکومت سوریه، ایجاد یک اتحاد راهبردی جدید منطقه‌ای در قالب کشورهای روسیه، ایران، عراق، سوریه و حزب‌الله لبنان است. این اتحاد که به واسطه مبارزه علیه داعش و ورود روسیه به عرصه تحولات سوریه و اشتراک منافع مسکو با تهران در منطقه شامات و مقابله با رقیب مشترک دو دولت یعنی ایالات متحده آمریکا شکل گرفته است، بزرگ‌ترین چالش سیاست‌های هژمونی آمریکا در منطقه خاورمیانه که پس از اتمام جنگ سرد، بزرگ‌ترین تعیین‌کننده نظام امنیتی خاورمیانه به‌ویژه خلیج فارس بوده است، محسوب می‌شود. آنچه در راستای تحولات سوریه و قدرت‌گیری ایران و روسیه در منطقه به وجود آمده، متزلزل شدن نظم آمریکایی منطقه است. در حقیقت به نظر می‌رسد خاورمیانه در آستانه پیدایش یک نظم امنیتی جدید و رقیب در منطقه است؛ نظامی که در آن روسیه، حداقل در مناسبات سوریه، نزدیک به محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران شده است. حضور پر قدرت روسیه و ج.ا.ایران در بحران سوریه پیام مهم اتمام دوران تک‌قطبی نظام بین‌الملل و شروع دوران چندقطبی و شکل‌گیری یک نظام امنیتی رقیب در خاورمیانه را می‌رساند؛ اما باید به این نکته توجه داشت که مسکو هیچ‌گاه متحد استراتژیک تهران نبوده است و از آنجایی که بر اساس رویکرد نواقع‌گرایی دولت‌ها همواره به دنبال منافع نسبی خود هستند. (بازرگان و پورا احمدی، ۱۳۹۷: ۹۲)

د) تأثیر بحران ژئوپلیتیکی سوریه بر امنیت اقتصادی ج.ا. ایران

در حوزه امنیت اقتصادی می‌توان عنوان کرد که بی‌شک تهدید اقتصادی، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات در چارچوب امنیت ملی است (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۸). امنیت اقتصادی در حقیقت یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین زیرساخت‌های توسعه در همه نظام‌های اقتصادی است. وجود امنیت اقتصادی، بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند. (عزتی و دهقان، ۱۳۸۷) ایالات متحده بیش از ۴۰ سال است که به‌منظور تأثیرگذاری بر ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، جمهوری اسلامی را مورد هدف قرار داده است. مکانیسم اجرایی پیچیده تحریم‌های ایالات متحده علیه نهادهای اقتصادی، تجاری و بانکی ایران در اقتصاد بین‌الملل و ظرفیت‌های بالقوه جمهوری اسلامی، به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، نگرانی کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی و دیگر متحدان منطقه‌ای ایالات متحده را در خصوص تمایل جمهوری اسلامی به گسترش حوزه نفوذ و استقرار در جایگاه هژمون منطقه را دربرداشته است. (Katzman, 2016: 9) به‌ویژه اسرائیل، نگران افزایش حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های مخالف اسرائیل، حزب‌الله لبنان و حماس و افزایش توان مالی، نظامی و احتمال دسترسی این دو گروه به تسلیحات موشکی است. (Malka, 2016: 2)



تحریم و فشارهای اقتصادی ایالات متحده آمریکا به بهانه نفوذ منطقه‌ای و حمایت مالی، تسلیحاتی جمهوری اسلامی از جبهه مقاومت، علیه منافع کشور مشکلات مختلفی را در مقابل ایران به وجود آورده است. تحریم مهم‌ترین ابزار جایگزین حملات نظامی در سیاست خارجی ایالات متحده پس از دوران

جنگ سرد است و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و وابستگی‌های اقتصادی میان کشورها موجب تأثیرگذاری بیشتر تحریم‌ها با صرف هزینه‌های کمتر، شده است. توجه هرچه بیشتر به اقتصاد مقاومتی و دیپلماسی اقتصادی با همسایگان با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران به چند طریق از بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای جلوگیری می‌کند و در نتیجه موجب رسیدن به اهداف استراتژیک و توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. ایران در سال‌های اخیر کمترین تعامل اقتصادی منطقه‌ای را داشته و از مزایای آن محروم مانده است.

۱۵ کشور همسایه ایران «امارات متحده عربی، ترکیه، روسیه، عربستان، پاکستان، عراق، قطر، کویت، قزاقستان، عمان، بحرین، جمهوری آذربایجان، افغانستان، ترکمنستان و ارمنستان» با دارا بودن ۵۶۰ میلیون نفر جمعیت، ۱/۰۲ تریلیون دلار واردات داشته است، درحالی‌که ایران با ۲۳/۲ میلیارد دلار صادرات به این ۱۵ کشور همسایه، تنها ۲/۱۳ درصد از این بازار بزرگ را در اختیار دارد. (عرب پور، ۱۳۹۹) از آنجاکه صادرات نفتی دولت ایران، ۶۴٪ درآمد صادراتی کشور است، تحریم‌های نفتی اثرات زیادی بر اقتصاد انرژی جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت. به‌طور کلی طی ۱۰ سال اخیر با گسترش دامنه تحریم‌ها، جنبه متوالی و تکراری آن حوزه‌های مختلف، اعمال تحریم‌های چندجانبه از سوی نهادهای آمریکایی و اروپایی به تدریج کلیه بخش‌های کشور از بخش‌های مالی، بانکی و بیمه گرفته تا نفت، گاز و پتروشیمی، کشتیرانی، کشتی‌سازی و حمل‌ونقل، طلا، انواع فلزات گران‌بها، اسکناس و سکه، انواع کالا و فن‌آوری، سرمایه‌گذاری، آموزش‌های تخصصی، فلزات، نرم‌افزار و تسلیحات را در بر گرفت و به یک بازی متوالی فرسایشی تبدیل شده است. تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقتصادی، می‌توان به این موارد دسته‌بندی نمود: ۱. بحران‌های ناظر بر فضای اقتصاد کلان کشور؛ ۲. نفوذ و جاسوسی در حوزه اقتصادی و صنعتی؛ ۳. فشار، تحریم و انزوای اقتصادی ایران؛ ۴. تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری ایران. درباره امنیت اقتصادی باید گفت: این ناامنی اقتصادی یک هدف دارد و آن ناکارآمدسازی دولت است تا به‌صورت مستقیم بر مردم و نارضایتی آن‌ها اثر بگذارد. ضرورت دارد یک قرارگاه برای پدافند غیرعامل در حوزه اقتصاد در وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل و مسائل مرتبط در آن، بررسی، پایش و مدیریت شود.

۵. نتیجه

در تحقیق حاضر، این باور مطرح شده که بحران ژئوپلیتیکی سوریه از ۱۵ مارس ۲۰۱۱ میلادی با اعتراض‌های مردمی و با اهداف اصلاحی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آغاز شد، شکل و شمایل جنبش اجتماعی داشت اما با نقش‌آفرینی منفی قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های، این جنبش

به سرعت منحرف شد و به سمت بحران امنیتی و جنگ داخلی ویرانگر سوق یافت. عوامل بحران با بهره‌گیری از تسلیحات پیشرفته و کمک‌های مالی و لجستیکی و نظامی برخی از کشورهای منطقه و فرامنطقه، توانست به سرعت در کشورهای عراق و سوریه نفوذ کند و مناطق وسیعی را تحت کنترل خود درآورد. هر بحران و مسئله‌ای در خاورمیانه، هم خود کشورهای منطقه را متأثر می‌سازد و هم سیستم بین‌المللی را وادار به واکنش می‌کند. بحران ژئوپلیتیکی سوریه در سال‌های اخیر، بنیادگرایی اسلامی و جریان‌های سلفی تکفیری و اقدامات آن‌ها، منطقه خاورمیانه و کل نظام بین‌الملل را متأثر کرده است. به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران به خاطر هویت شیعی و غیرعربی خود در معرض مستقیم این تهدیدات قرار دارد. سوریه کشوری است که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب روابط پایداری با آن داشته و هر نوع تحولی در این کشور می‌تواند استراتژی سیاست خارجی ایران را متحول کند. به‌عبارت‌دیگر، تحولات این کشور جزء امنیت هستی‌شناختی سیاست خارجی ایران به‌شمار می‌رود. بنابراین، اولویت کلان دستگاه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در سیاست خارجی ایران باید تلاش برای حفظ ساختار و نظام سیاسی موجود در سوریه باشد. در بخش نخست پژوهش، چرایی شکل‌گیری منازعه بین‌المللی در سوریه از دیدگاه نواقح‌گرایی و نظریه موازنه تهدید موردبررسی قرار گرفت. از آنجاکه پیش از بررسی هر نوع منازعه‌ای می‌بایست جریان‌ها و بازیگران دخیل در آن مشخص شود، در ابتدا بازیگران دخیل در منازعه در دو طیف طرفداران حفظ وضع موجود و تغییر وضع موجود و در دو سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مشخص شدند. از آنجاکه هر کنشی از سوی بازیگران دولتی و غیردولتی در عرصه منطقه و فرامنطقه، برای تحلیل رفتار کنشگران دخیل در منازعه سوریه، با عنایت به اینکه بررسی و مطالعه عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر منافع قدرت‌های منطقه‌ای (عربستان، ترکیه و اسرائیل) و فرامنطقه‌ای (آمریکا و اتحادیه اروپا)، خواهان تغییر وضع موجود و جمهوری اسلامی ایران و هم‌پیمانان به‌عنوان اصلی‌ترین کشور خواهان حفظ وضع موجود پرداخته شد. تحلیل منافع صورت گرفته حاکی از آن است که دنبال نمودن الگوهای رفتاری ناشی از ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل یعنی ترس، بقاء محوری و قدرت محوری (تلاش برخی بازیگران برای افزایش قدرت یا جلوگیری از کاهش آن و ممانعت از افزایش قدرت رقبا) با ایجاد منافع متعارض از یک سو و تأثیرگذاری بر موازنه قوا از سوی دیگر، سبب‌ساز شکل‌گیری منازعه بین‌المللی در سوریه شده است.

پژوهش حاضر برای دستیابی به یک پاسخ جامع و کامل، از آثار و پیامدهای و تهدیدات امنیتی ناشی از منازعات بحران ژئوپلیتیکی سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در ابعاد مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در این تحقیق براساس دسته‌بندی‌های انجام شده توسط اندیشمندان مکتب

کپنهاک آن‌ها را در چهار دسته اصلی تقسیم‌بندی نمود: ۱. امنیت نظامی (تهدید مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارضی و انجام فعالیت‌های تروریستی در داخل)؛ ۲. امنیت سیاسی (تضعیف محور مقاومت از طریق تضعیف دولت‌های شیعه در عراق، سوریه و لبنان، برهم‌خوردن موازنه قوا در منطقه به نفع عربستان، ترکیه و اسرائیل و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل آمریکا در منطقه خاورمیانه و انزوای جمهوری اسلامی ایران)؛ ۳. امنیت فرهنگی - اجتماعی (تفرقه‌انگیزی و افزایش تنش‌های قومی و مذهبی) جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید واقع شده است؛ ۴. امنیت اقتصادی (بحران‌های ناظر بر فضای اقتصاد کلان کشور، نفوذ و جاسوسی اقتصادی و صنعتی، فشار، تحریم و انزوای اقتصادی ایران، تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری ایران). بر این اساس، سوریه نه تنها عمق استراتژیک منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، بلکه حفظ موقعیت، جایگاه و نفوذ در سوریه و منطقه شامات، چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از لحاظ ژئوپلیتیک و استراتژیک، چنان با امنیت ملی و بقای جمهوری اسلامی ایران گره‌خورده است که به نظر می‌رسد رفتار این بازیگر در حمایت از سوریه، با چارچوب پارادایم نواقح‌گرایی و نظریه موازنه تهدید کاملاً مطابق با اصول روابط بین‌الملل و نظام امنیتی منطقه‌ای باشد.

۶. منابع و مأخذ

۱. آجرلو، حسین، ۱۳۹۰، «تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ۱۸، ش ۶۶.
۲. آذرشب، محمدتقی و همکاران، ۱۳۹۶، «جایگاه امنیت در مکتب کپنهاگ: چارچوبی برای تحلیل»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال سیزدهم، ش ۴۰.
۳. آدمی، علی و الهام کشاورز مقدم، ۱۳۹۴، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، ش ۱۴.
۴. آرام، آرمینا، ۱۳۹۵، «ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست*، سال سوم، ش ۹.
۵. اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر و حسنعلی احمدی فشارکی، ۱۳۹۵، «داعش و امنیت ملی ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال پنجم، ش ۱۸.
۶. بازرگان، ابوالفضل و حسین پوراحمدی میدی، ۱۳۹۷، «ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی ج.ا. ایران»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌الملل*، دوره ۹، ش ۳.

تأثیر منازعات بحران ژئوپلیتیکی سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران □ ۸۳

۷. بوزان، باری، ۱۳۹۰، *مردم؛ دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۲.

۸. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد، انتشارات پاپلی.

۹. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸، *بیانات در جمع فرماندهان سپاه پاسداران*، سایت موسسه نشر و تنظیم آثار مقام معظم رهبری.

۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۹۱، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سمت.

۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و منوچهر مرادی، ۱۳۹۴، «آمریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران - فدراسیون روسیه»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۸۹.

۱۲. ذالفقاری، مهدی و ابوذر عمرانی، ۱۳۹۶، «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، ش ۲.

۱۳. شمس دولت‌آبادی، محمدرضا، ۱۳۸۸، «علائق ژئوپلیتیکی و استراتژی ملی؛ مورد ایران نسبت به آسیای مرکزی»، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

۱۴. صالح‌نیا، علی و حسین بختیاری، ۱۳۹۷، «اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۸ ش ۲۷.

۱۵. عباسی، مجید، ۱۳۹۴، «بحران سوریه و تبلور نظریه نواقح گرای»»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، ش ۳۲.

۱۶. عرب‌پور، امیرحسین، ۱۳۹۹، *راهبرد سیاست خارجی دولت دوازدهم در توجه به دیپلماسی اقتصادی و بازارهای منطقه در دوران افزایش تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی*؛ <https://iranthinktanks.com>

۱۷. عزتی، مرتضی و محمدعلی دهقان، ۱۳۸۷، *امنیت اقتصادی در ایران*، تهران، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چ ۱.

۱۸. عزیززی، حمیدرضا و مصطفی نجفی، ۱۳۹۶، «آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال ۹، ش ۵۲.

۱۹. فیروزآبادی، سیدحسن، ۱۳۹۳، *تکفیری‌های داعش را بشناسیم*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

۲۰. قالیباف، محمدباقر و سید موسی پورموسوی، ۱۳۸۷، «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، ش ۶۶.

۲۱. ماندل، رابرت، ۱۳۸۷، **چهره متغیر امنیت ملی**، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۱.
۲۲. نجات، سید علی و اصغر جعفری ولدانی، ۱۳۹۲، «بررسی جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی**، ش ۸.
۲۳. نیاکوئی، امیر و حسین بهمنش، ۱۳۹۱، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، **فصلنامه روابط خارجی**، ش ۴.

24. Ahmadi, Gh. & Bahrami, Z. 2015, "US performance in Chemical disarmament Syrian", Defense Policy Magazine, 23 (3), 199 – 227, (In Persian).
25. Barry, Rubin, 2007, "The Truth about Syria", New York, Palgrave Macmillan.
26. Gregory, Gause F, 2014, "Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War", Policy at Brookings Doha Center Analysis Paper, November.
27. Hafeznia, Mohammad Reza, 2014, "Principles and Concepts of Geopolitics", Mashhad, Papoli publications [In Persian], Middle East, London.
28. Hinnebusch, Raymond, 2009, "Syrian Foreign Policy under Bashar Al - Asad", Ortadogu Etudleri, Vol. 1, No. 1,
29. Macmillan Publishers limited, 2010, "Definition of National Security", University Press.
30. Valigholizdeh, Ali, 2015, "Geopolitical Crisis Recognition Pattern", Tehran, Research Institute of Strategic Studies [In Persian].
31. Wallsh, David, 2013, "Syrian Alliance Strategy in the Post - Cold War Era", The Impact of Unipolarity, the Fletcher Forum of World Affairs, Vol. 37, No. 2, summer.
32. Walt, Stephen M, 2005, "Taming American power: the Global Response to U. S. Primacy", New York, London, www.Norton,
33. Wolfers, Arnold, 1962, "Discord and Collaboration", Baltimore, Johns Hopkins.
34. Wright, T. 2015, "The Rise and Fall of the Unipolar Concert", The Washington Quarterly, Vol. 37.